

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی دربارهٔ جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بُنما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۱۷) شهود

پرسید:

- دومین ایراد تان به برهانی که من ارائه کردم چیست؟

گفتم:

- شما از عقل استدلالی و براهین رایج حاصل از آن سخت انتقاد کردید، حال آن که گفته خودتان را هم

برهان نامیدید و برای اثبات وجود خدا به استدلال پرداختید.

فرمود:

- برهانی که من ارائه کردم تفاوت هایی بنیادین با براهین عقل استدلالی دارد.

پرسیدم:

- مثلاً چه تفاوتی؟

فرمود:

- یکی از مهمترین این تفاوت ها آن است که برهان مطرح شده توسط من برهانی **شهودی** بود نه استدلالی. برهان من حاصل **خرد** بود، که خود بارقه ای از عقل ملکوتی (**عقل شهودی**) است.

گفتم:

- ولی **ظاهر** آن که هیچ فرقی با براهین استدلالی رایج نداشت.

فرمود:

- آری حق با شماست. اما چون **شهود امری مرتبط با آسمان است**، به همان دلایل که پیشتر گفته ام، من **مجبور شدم** برهان خود را با الفاظ و مفاهیم موجود در زبان رایج در زمین بیان کنم.

کلمه **شهود** را قبلاً از خیلی کسان شنیده بودم بی آن که توضیح کافی درباره آن ارائه کنند. زمان آن رسیده بود که این مهم را از زبان آن آشنا بشنوم.

پرسیدم:

- **شهود چیست؟ آیا نوعی مشاهده است؟**

فرمود:

- شهود اتصال به عوالمِ غیب (و در اولین مرحله، اتصال به لایهٔ فرودینِ عالمِ ملکوت) است.

شهود فقط یک مشاهده نیست. اگر هم از نوع مشاهده باشد رؤیت با چشمِ سر نیست با چشمِ دل است.

بصیرت (که چندان بی ارتباط با شهود نیست) از جنسِ دیدن با چشمِ دل است و بَصَر از جنس دیدن با

چشمِ سر.

شهود می تواند نوعی ادراک و یا احساس باشد، و یا در مقولهٔ حواس (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی،

بساوایی، و ...) روی دَهد.

پرسیدم:

- "شهود" چه ویژگی هایی دارد؟

فرمود:

- وقتی گفته می شود که احساسات و ادراکاتِ ملکوتی شهودی هستند یعنی بی نیاز از طی مراحل، عاری از

هرگونه حسابگری و محاسبه و مقایسه، و آنی اند، چون از ساحتِ ملکوت سرچشمه می گیرند؛ ساحتی که رها از

زمان و مکان و محاسبه است.

وقتی گفته می شود که شهود آنی است منظور این نیست که در مدت بسیار کوتاهی اتفاق می افتد، "آنی"

است یعنی رها از زمان است.

پرسیدم:

- شهود در چه مواردی و چگونه می تواند به ما کمک کند؟

فرمود:

- فرض کنید که در یک شب کاملاً تاریک، شما را که در خوابی عمیق هستید، به جایی دیگر منتقل

کنند. اگر ناگهان از خواب بیدار شوید، به دلیل تاریکی محیط اطرافتان، نمی توانید چیزی را ببینید و نمی دانید

کجا هستید. فقط صداهایی را می شنوید که قادر به تشخیص آن ها نیستید.

در یک لحظه، آذرخشی آسمان و زمین را روشن می کند، و شما در یک آن خود را در باغی می بینید. گرچه دوباره همه جا در تاریکی فرو می رود، اما حالا دیگر شما می دانید آن جیرجیر آوای جیرجیرک ها است، آن جیک جیک صدای ضعیف پرندگان آرمیده بر شاخه ها است، آن شرشر زمزمه جویباری است که از زیر تخت شما می گذرد، و آن خرخر از گربه ای است که پایین پایتان خوابیده است .

شهود می تواند مانند آن برق آسمان، در یک آن، صحنه باغ هستی را به شما نشان دهد و شما را به پاسخهای درست برای بسیاری از پرسش های کلیدی درباره چستی و هستی تان نزدیک تر کند.

فراتر از آن، شهود می تواند راه بازگشت به سوی "او" را به شما نشان دهد.

ادامه داد:

- احساس شهودی و ادراک شهودی، هر یک و یا با هم، می توانند راهنمای سلوک (بازگشت به سوی "او") باشند.

احساس شهودی در دل روی می دهد یعنی در صورت ملکوتی قلب آدمی.

وقتی با احساسی یقینی، یعنی احساسی که هیچگاه شما را سرگشته و گمراه نمی کند، می گوید "دلشوره دارم"، یا "دل روشن است که...."، و یا "دل می گوید که..."، به همین ارتباط بی واسطه با ساحت ملکوت اشاره می کنید.

پرسیدم:

- ادراکِ شهودی چه گونه چیزی است؟

فرمود:

- ادراکِ شهودی نیز مشابه احساسِ شهودی است منتها در قلمروِ خرد: آن هم آنی، و بدون طی مراحل، و بی محاسبه روی می دهد و یقینی است یعنی نکته ای را می دانید و می دانید که می دانید، نه آن که در موردِ آن شک ندارید.

"یقین" فراتر از "نداشتنِ شک" است.

با زدودنِ یکایکِ شک ها شخص به یقین نمی رسد چون زنجیرهٔ شک ها بی انتهاست. یقین از راهِ شهود به شخص داده می شود.

از طرفِ دیگر، فراموش نشود که

ادراکِ شهودی شکلی سریع تر و وسیع تر از استدلالِ عقلی نیست، بلکه ماهیتاً با آن متفاوت است. احساسِ شهودی هم صرفاً یک واکنشِ بسیار سریعِ احساسی در یک موقعیتِ خاص نیست بلکه با آن تفاوتِ ماهوی دارد.

گفتم:

- لطفاً برای ادراکِ شهودی مثالی بزنید.

فرمود:

- در یک خانواده سه برادر هستند: احمد که از محمود بزرگتر است. محمود که از ناصر بزرگتر است. و ناصر که از احمد بزرگتر است.

بی درنگ گفتم:

- چنین چیزی غیر ممکن است.

پرسید:

- از کجا می دانید؟ ادعای خود را ثابت کنید.

گفتم:

- خوب معلوم است، اثبات لازم ندارد. ناصر نمی تواند از احمد بزرگتر باشد.

فرمود:

- برهانی که برای اثبات وجود خدا ارائه کردم هم از همین نوع (شهودی) بود. پدیده مطلقاً کامل نمی تواند نباشد.

ادراک شهودی یعنی آن نکته ای را در می یابید و به یقین می دانید که آن را به درستی می دانید.

پرسیدم:

- برای احساس شهودی هم مثالی دارید؟

فرمود:

- حتماً حکایت "عشق در یک نگاه" را شنیده اید.

عشقی است آنی، بدون طی مراحل، و به دور از هرگونه مقایسه و یا حسابگری.

به زبان دیگر احساسی است شهودی.

آنگاه با صدایی پُرتنین، که گویی پژواک گفته های آسمانیان بود، افزود:

- عالیترین صورتِ آسمانی از احساسِ شهودی، عشقِ به "او" است.

ادامه دارد